

استاد ابو الحسن صبا

دکتر ساسان سینتا



استاد ابو الحسن صبا

استاد ابوالحسن صبا در سال ۱۲۸۱ هجری شمسی در تهران تولد یافت. پدر او کمال السلطنه که مردی ادیب و هنرمند بود، ابوالحسن خان شش ساله را برای فراگرفتن سه تار نزد میرزا عبدالله هدایت کرد. صبا سه تار را از استاد زمانه میرزا عبدالله و درویش خان، سنتور را از میرزا علی اکبر شاهی، تنبک را از حاجی خان، کمانچه را از حسین خان اسماعیل زاده، فلوت را از اکبرخان و ویلن را از حسین هنگ آفرین فراگرفت.

تحصیلات مقدماتی صبا و آموختن زبان انگلیسی در مدرسه آمریکایی تهران انجام پذیرفت. او در مدرسه کمال الملک نقاشی آموخت و علاوه بر آن به منبت کاری، گلدوزی، نجاری ظریف، زرگری، حسن خط به ویژه خط شکسته و شعر و ادبیات فارسی وقوف داشت.

در اواخر سال ۱۳۰۲ که مدرسه عالی موسیقی به همت استاد علی نقی وزیری تأسیس شد، ابوالحسن خان بیست و یک ساله برای تحصیل قواعد علمی موسیقی ایرانی به آنجا پیوست و با نظریات و تعلیمات وزیری آشنا شد. در کوتاه زمانی وزیری او را به عنوان تکنواز ارکستر مدرسه عالی موسیقی انتخاب کرد و تعلیم موسیقی در یکی از کلاس های همان مدرسه به صبا واگذار گردید.

صبا در فروردین ۱۳۰۶ همراه با ارکستر مدرسه عالی موسیقی برای انجام کنسرت به رشت رفت. مردم گیلان که از نوای دلنشین ویلن صبا محظوظ شده بودند تقاضای تأسیس یک مدرسه

موسیقی کردند، وزیری «مدرسه صنایع ظریفه رشت» را دایر کرد و ریاست آن را به صبا واگذار کرد. این موقعیت، فرصتی را برای صبا فراهم کرد که برخی ایام به وسیله اسب از راه های مال رو و صعب العبور جبال البرز به روستاهایی مانند: عمارلو، دیلمان و رسپیلی رفته آهنگ های محلی آن نواحی را جمع آوری و آنها را به خط نت بنویسد. صبا اولین موسیقی دان ایرانی است که به گردآوری و ثبت و اجرای موسیقی محلی همت گماشت. صبا برای نیل به مهارت بیشتر در نواختن ویلن از تعلیمات «سرژ خوتسیف» استاد برجسته ویلن کلاسیک در تهران بهره مند شد و بر اثر آشنایی با رموز این ساز به خوبی دریافت که ویلن با تن درخشان و گستره وسیع صوتی که دارد، برای اجرای موسیقی ایرانی کاملاً مناسب است و حالات موسیقی ملی را به خوبی عرضه می دارد. به همین جهت او آنچه می دانست به ویلن انتقال داد و یک مکتب مخصوص برای این ساز خوش صدا ایجاد کرد.

استاد صبا از سال ۱۳۱۰ در منزل شخصی خود واقع در کوچه ظهیرالاسلام کلاس آموزش ویلن دایر کرد، ولی از تدریس سنتور، سه تار و آواز نیز به شاگردان مستعد و علاقه مند مضایقه نداشت. او از حدود سال ۱۳۰۶ به تدریج به نوشتن آوازاها و دوره کتاب های آموزشی خود پرداخت که برخی را خود به چاپ رسانید. در بین سال های ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۸ صفحات گرامافون از ساز صبا در تهران و سوریه ضبط گردید که از آن صفحات اینها از همه مشهورتر است: ای وطن از

وزیری که قطعه مشهور «زرد ملیجه» را در بین آهنگ آن با ویلن اجرا کرده است، ابوعطا و حجاز، بیات ترک، زنگ شتر و بیات اصفهان. در بین صفحات ضبط شده در سوریه صفحه‌ای را با ذکر «به یاد غزاله» اجرا کرده است که به نام یکی از دخترهای استاد صبا می‌باشد. از سال ۱۳۱۹ که فرستنده رادیو در تهران افتتاح شد، صبا در سمت تکنواز و رییس ارکستر به کار پرداخت و از سال ۱۳۲۰ که وزیری مجدداً روی کار آمد و ارکستر نوین رادیو را تشکیل داد، صبا با آن ارکستر همکاری نمود و از همان سال به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و در کلاس‌های شبانه هنرستان عالی موسیقی نیز به تدریس پرداخت.

در سال ۱۳۲۴ «انجمن موسیقی ملی» به همت شادروان روح‌الله خالقی تأسیس شد و صبا تکنواز آن ارکستر گشت و در کنسرت‌های آن شرکت داشت و از ۱۳۲۸ که هنرستان موسیقی ملی به همت روح‌الله خالقی تأسیس شد، صبا در سمت استاد ویلن تا آخر عمر در آنجا به خدمت پرداخت. در سال ۱۳۳۳ رهبری ارکستر ملی را در هنرهای زیبای کشور به عهده گرفت و چندی بعد رهبر ارکستر شماره یک آنجا گشت که از ادامه کار آن سخن خواهیم گفت. صبا در سال‌های آخر عمر، در بعضی برنامه‌های گل‌های رادیو، به عنوان رهبر یا نوازنده شرکت داشت.

قبل از صبا نوازندگان ویلن ایرانی، برای نواختن ویلن از روش اجرایی کمانچه استفاده و تقلید می‌کردند و از این نظر گستره انگشت‌گذاری آنان به‌ندرت از پوزیسیون اول تجاوز می‌کرد و طبیعتاً احراز تن مطلوب و استفاده صحیح از آرشه برای آنان میسر نبود. صبا از مهارت خود در این ساز برای اجرای قطعات موسیقی ایرانی استفاده کرد. او تکیه‌ها و تحریرها را رده‌بندی نمود و با

استفاده صحیح از تکنیک ویلن مکتب استواری را برای این ساز بنیان نهاد.

در اینجا چند نمونه از موارد آموزشی که از تعلیمات استاد صبا به‌طور حضوری در کلاس ایشان استفاده کرده‌ام، یا از تحلیل آثار ایشان در آن زمان و بعد استنباط کرده‌ام برای استفاده علاقه‌مندان به اختصار ذکر می‌کنم: استاد صبا، در اجرای آوازهای ایرانی به کاربرد زیاد Vibrato اعتقادی نداشت و به کاربردن بی‌رویه آن را مخل رسایی و بلاغت می‌دانست. در اجرای جملات موسیقی به رعایت Articulation یا «واضح اجرا کردن نت‌ها» توصیه می‌کردند و هنرجو را از اجراهای مالشی یا به اصطلاح «نیم‌جوییده» جمله‌های موسیقی برحذر می‌داشتند.

استاد صبا اجرای زیاد Glissando را روی هر نتی جایز نمی‌دانستند و می‌گفتند که استعمال بی‌رویه آن از صراحت اجرا می‌کاهد. در رنگ‌های ایرانی مانند «شهر آشوب» لازم می‌دانستند اجراکننده از آرشه‌های پرشی با راست و چپ‌های مخصوصی که وضع کرده بودند و علامت‌های آن را روی نت‌ها می‌نوشتند تبعیت کند. در نواختن جمله‌های موسیقی به رعایت «تعبیر» یا Interpretation در اجرا توصیه خاص داشتند.

استاد صبا برای هر دستگاه یا آواز کوک‌های خاصی با نت پدال مطلوب در چهارمضراب به کار می‌بردند. ایشان مهارت‌های اجرایی و عرضه تکنیک را تا حدی جایز می‌دانستند که ارزش هنری و زیبایی قطعه فدای نمایشگری تکنیک نشود. استاد در تلفیق هجاهای کوتاه و بلند شعر و تکیه یا آکسان‌های کلام، با موسیقی از شیوه انگشت‌گذاری و آرشه‌کشی خاص ابتکاری خود استفاده می‌کردند و برای هر آواز در گوشه‌های دستگاه‌ها اشعاری با اوزان مناسب یافته بودند.

تکنیک استاد صبا در ویلن تا سال‌های پیرامون ۱۳۱۰ بر اثر تمرین مداوم رو به کمال می‌رفت ولی از آن‌ها بعد ایشان بیش‌تر وقت خود را صرف تهیه کتاب‌های نت و تربیت شاگردان مستعد کردند. به هنگام فراگیری ویلن نزد ایشان، در پرستی که برای معرفی یکی از آثار ضبط شده ممتازشان از استاد کردم، ایشان صفحه‌ای را ذکر کردند که در سال ۱۳۱۲ از اجرای تک‌نوازی ویلن ایشان ضبط شده بود. نگارنده پس از مدتی جست‌وجو صفحه مذکور را یافته و آن را خریدم. حدود پانزده سال بعد از درگذشت ایشان، با نگاهی به گذشته، به هنگام پژوهش در ویژگی‌های هنری ایشان، صدای صفحه مذکور را با رعایت همان سرعتی که مهندس کارخانه «کلمبیا» در سال ۱۹۳۳ میلادی از اجرای ویلن استاد صبا ضبط کرده بود، در آزمایشگاه هر دستگاه Spectrograph منتقل کردم و پس از تهیه «طیف نگاشته» و تحلیل و تفسیر الگوهای نقش‌بسته بر آن، مختصاتی از آن اثر هنری استاد صبا استنباط کردم که در اجرای موسیقی ایرانی با ویلن بی‌نظیر بوده است.

کوک ویلن صبا در آن اثر، از نت معیار که در آن زمان $A=439\text{ Hz}$ (هرتز) بوده است تبعیت کرده و به آن مناسبت، تن درخشان ویلن در کل اثر عرصه تجلی یافته است. صبا درآمد ابوعطا را در اجرای «ویبراتور» سنگین و با تأنی، از نت شاهد ابوعطا شروع کرده و پیوندهای دیگری را نیز در درآمد ابوعطا در اکتاوه‌های دیگر اجرا کرده‌اند بعد از آن «حجاز» را از نت شاهد آنکه درجه پنجم گام شور است با جمله‌های مختلف در سه اکتاو که از نت B^4 (سی) روی سیم دوم ویلن شروع می‌شود، آغاز کرده و اکتاو دوم آن را روی سیم اول با نت B^5 و اکتاو سوم آن را روی همان سیم از نت B^6 (فرکانس ۱۹۷۵ هرتز) در پوزیسیون نهم روی سیم

«می» اجرا کرده است. در تمام این مراحل استاد آن‌چنان نت‌ها را درست و بدون افزایش یا کاهش (با رعایت حالت و تعبیر جمله موسیقی) اجرا کرده‌اند که دستگاه‌های دقیق آزمایشگاهی هر نت را دقیقاً در محدوده فرکانس خود نمودار می‌سازد و تناسب نت‌های گام در محدوده مشکلی چون پوزیسیون نهم با یک Tolerance قابل اغماضی که از ۵ Cent تجاوز نمی‌کند، کاملاً صحیح و مشخص و واضح اجرا گشته است. میانگین rate ویراتوهای استاد صبا در نت‌های کشیده حدود ۱/۵ در ثانیه است.

استاد در هنگام تدریس بسیار دقیق و پر حوصله بودند، ایشان بر تمرین با حوصله و دقیق و بدون شتاب تأکید داشتند و هنرجو را از تمرین ماشینی پرهیز می‌دادند. توصیه ایشان در هنگام تمرین و نواختن رعایت تمرکز فکر همراه با انبساط ذهنی و عدم انقباض عضلات (به‌ویژه عضلات دست‌ها) بود. می‌گفتند در تمام مدت اجرا باید سعی شود بهترین «تن» صدای ساز حاصل شود. در مورد نواختن سه‌تار توصیه می‌فرمودند که هیچگاه شلوغ ساز ننزید و تمام سیم‌ها را به صدا درنیاورید و نت‌های ناخواسته شنیده نشود، مضراب‌های چپ و راست رعایت شود و اگر بارها یک قطعه را می‌نواختند ترتیب مضراب‌ها در تمام اجراها یکسان بود و راست و چپ آنها شمرده و مشخص و سنجیده بود. ایشان در مسایل مادی و حق‌التدریس پرداختی از طرف شاگردان بسیار بلندهمت بودند و هیچگاه حق‌التدریس از هیچ شاگردی مطالبه نمی‌کردند. تدریس ایشان همواره با دلسوزی و تعهد توأم بود و آنچه می‌دانستند با طیب خاطر به شاگرد می‌آموختند. نمودار احساس عاطفی بین ایشان و شاگردان و علاقه‌مندانشان، از استقبالی که از

شرکت در جلسه بزرگداشت چهلمین سال درگذشت استاد صبا شد نمودار است:

پیشه اول کجا از دل رود
مهر اول کی ز دل زایل شود
ما هم از مستان این می بوده ایم
عاشقان درگه وی بوده ایم
ای بسا کز وی نوازش دیده ایم
در گلستان رضا گردیده ایم
بر سر ما دست رحمت می نهاد
چشم های لطف، بر ما می گشاد

(مولوی)

استاد صبا آهنگ‌های بی نظیری برای سازها، به‌ویژه ویلن ساخته است. دوره‌های ردیف ایشان با حسن سلیقه تلخیص و تدوین یافته است و گوشه‌هایی چون صدای (به یاد واعظ خوش‌آواز صدرالمحدثین) یا شهابی (به یاد شهاب‌السادات) یا دیلمان و امیری را منبعث از آهنگ‌های محلی، به ردیف اضافه کردند و برای هر آواز چهارمضربایی زیبا ساختند که زینت‌بخش ردیف ایشان است. در ساخته‌های خود از نواهای محلی به‌ویژه گیلان استفاده کردند که از آن جمله است: زرد ملیجه (گنجشک زرد)، «کوهستانی» که چوپانی را وقت غروب در حال جمع‌آوری گوسفندان و سرازیر شدن از تپه مجسم می‌کند، «در قفس» که تجسم پرش‌های مرغکی به دیواره‌های قفس است و «کاروان» که پتزیکاتوهای دست چپ روی ویلن رنگ شترهای کاروان را مجسم می‌کند، همه با الهام از طبیعت ساخته شده است. قطعه «به زندان» ساخته صبا، در شوشتری از نوای آزادای خواه در بندی اقتباس شده است. از دیگر قطعات ایشان می‌توان اینها را برشمرد: رقص چوبی قاسم‌آباد، وزنگ شتر، با دو بل کوردهای مطبوع آن. استاد به نوازندگی جمعی و ارکستر با موازین صحیح آن

رغبت خاص داشت. نت‌نویسی او دقیق و در شناخت اوزان مهارتی خاص داشت، هم‌اوم بود که وجود میزان‌های لنگ‌مانته $\frac{5}{8}$ یا $\frac{7}{8}$ را در موسیقی ایرانی تشخیص داد.

استاد ابوالحسن صبا در شب ۲۹ آذر ۱۳۳۶ ش. بر اثر پاره‌شدن یکی از شریان‌های اصلی قلب در تهران درگذشت و جامعه هنری ایران را غرق در اندوه کرد. او انسانی والا بود که پول را نشناخت و مجذوب زیبایی و کمال بود. استاد جلال همائی گوید:

ساز صبا نغمه آخر نواخت
کز اثر زخمه روان‌ها نجست
گفت سنا از پی تاریخ او
ساز صبا تار دل ما گست

(۱۳۷۷ ه. ق.)

استاد سید محمدحسین شهریار، دوست و یار شفیق صبا گوید:

ای صبا با تو چه گفتند که خاموش شدی
چه شرابی به تو دادند که مدهوش شدی
تو که آتشکده عشق و محبت بودی
چه بلا رفت که خاکستر خاموش شدی

پس از درگذشت استاد صبا، به همت همسر هنرمند ایشان خانم منتخب صبا، آثار استاد از قبیل: سه‌تار معرق‌کاری ساخت او، کتاب‌ها، سازها، نت‌ها و مقداری وسایل شخصی او (ساعت، قلم، متروم، دست‌نویس‌ها، نامه‌ها و غیره) فراهم آمد و در موزه صبا به یادگار حفظ گردید. دختران گرامی استاد صبا، هر سه در رشته خود از هنرمندان طراز اول و یادگار شایسته آن زوج هنرمند به‌شمار می‌آیند.

ارکستر شماره یک هنرهای زیبا که توسط استاد صبا رهبری می‌شد، پس از درگذشت او، رهبری آن به استاد محترم آقای حسین دهلوی

تفویض شد که خود از شاگردان صبا به‌شمار می‌آیند. ایشان با شایستگی ارکستر را رهبری و توسعه بخشیدند. قطعات «سبک‌بال» برای ارکستر که یک‌بار به رهبری خود صبا اجرا شده بود و قطعه «به یاد صبا» و «شوشتری» برای ویلن و ارکستر و «نغمه ترک» برای ارکستر که همه بر اساس آهنگ‌های استاد صبا توسط آقای دهلوی با سازبندی و هماهنگی مطبوعی ساخته و به اجرا نهاده شد و در کاست برای علاقه‌مندان عرضه گشت و نت «پارتی‌تور» کامل ارکستری آن نیز توسط ایشان به چاپ رسید.

استاد محترم آقای علی تجویدی که از شاگردان ممتاز و دوستان شفیق صبا به‌شمار می‌آیند، با تحقیقی ممتع، شیوه‌های انتقال چهارمضراب‌های سه‌تار به ویلن را در کار صبا بررسی کرده و با تدوین ردیف تطبیقی و اضافات ابتکاری به ردیف مانند «مثنوی حاج تاج» و قطعه «شلیل» و ساخته‌های اجراشده در برنامه‌های گل‌ها و شیوه نوازندگی ممتاز، در تداوم کار استاد صبا کوششی ارزنده روا داشتند.

در تأثیر استاد صبا بر سازهای دیگر، باید از استفاده شایان استاد محترم آقای حسن کسائی از مکتب صبا، در شیوه نوازندگی این ساز سنتی یاد کرد، همچنین در شیوه نوازندگی ویژگی‌های اجرایی استاد صبا در نواخته‌های استاد کسائی تأثیر نهاده و ملاحظه می‌شود. در مورد دیگری از تأثیر استاد صبا بر کار استاد فقید شادروان حسین تهرانی نوازنده بی‌همتای تنبک یاد می‌کنیم. در مورد ساختن ساز تشویق و راهنمایی‌های استاد صبا در ساختن سنتورهای مرغوب، توسط استاد فقید شادروان مهدی ناظمی و تشویق و هدایت استاد صبا از استاد محترم آقای ابراهیم قنبری مهر که منجر به ساختن سازهای نفیس به‌ویژه ویلن در سطح عالی گشت، شایسته ذکر است.

دوره‌های سه‌گانه ویلن استاد صبا به همت دوست و شاگرد قدیم او شادروان دکتر مقخم پایان و کتاب اول و دوم سنتور صبا با ذکر چند آهنگ از استاد فقید سنتور شادروان حبیب سماعی با همکاری استاد محترم آقای فرامرز پایور شاگرد استاد صبا در سنتور، در زمان حیات استاد، انجام پذیرفت و پس از درگذشت او، تجدید چاپ آن کتاب‌ها و انتشار کتاب سوم و چهارم سنتور و دوره اول سه‌تار به همت همسر محترم استاد صبا و دو تن از شاگردان دیرین او: آقای دکتر داریوش صفوت و آقای فرامرز پایور و آقای بهارلو انجام گرفت. شاگردان شناخته‌شده استاد صبا بسیار متعدد هستند. در این‌جا به‌طور خلاصه آقایان زیر را که در رشته‌های ویلن، سه‌تار، آواز و سنتور نزد ایشان تعلیم گرفته‌اند ذکر می‌کنم: حبیب‌الله بدیعی، رحمت‌الله بدیعی، محمود تاج‌بخش، دکتر تقی تفضلی، مهدی خالدی، محمود ذوالفنون، حسین صبا، صارمی، فرهاد فخرالدینی، مفتاح، میرنقیبی، نورده، و در آواز: بنان؛ نگارنده نیز از تعلیمات استاد صبا در ویلن بهره‌مند بودم.

ضبط‌های خصوصی از ساز صبا با ضبط صوت شخصی بیش‌تر توسط سه تن از دوستانش آقایان: ساعت‌ساز، دهش‌پور و دکتر پزشکان انجام گرفت.

مردم این سرزمین که آثار دلنشین صبا، بیانگر احساسات و هیجانات روحی و مرهم دل‌های آنان بوده است، هرگاه در سکوت توأم با بوی گل‌های بهاری، نوای دلنشین مرغ خوش‌الحان یا زرد ملیج‌های را بشنوند، به یاد صبا و نوای روح‌پرور ساز او خواهند بود، روحش شاد و یادش گرامی‌باد.

* این مقاله (با جزئی‌نصرف) متن سخنرانی است که در جلسه بزرگداشت چهلین سالگرد درگذشت استاد صبا (۳۰ دی‌ماه ۷۶) توسط نویسنده در تالار وحدت ایراد گردید.